

# اهمیت همکاری مردم در امر مبارزه با چالش های محیط زیستی

فرید احمد "خواهانی"

انجمن محیط زیست، پروژه طرح و ترتیب پلانهای شهری / وزارت شهرسازی و اراضی

شماره تماس: ۰۷۹۸۶۵۱۶۶۶/۰۷۷۴۱۱۵۲۷۰

ایمیل آدرس: farid\_apk2012@yahoo.com

## چکیده:

بشر به عنوان تاثیر گذار ترین موجود بالای محیط زیست می باشد، زیرا محیط زیست در بر گیرنده کلیه عوامل تاثیرگذار در زندگی بشر است و در این میان او می بایست خود را موظف به حفظ محیط زیست بداند. اما بدبختانه انسان از بدو پیدایش از مخاطرات برخاسته از عملکرد خویش نسبت به محیط زیست را نمیدانست و همواره برای بهبود زندگی و معیشت خویش از هیچ نوع تلاش و مداخله بر طبیعت دریغ نکرد، که سرانجام منجر به تخریب محیط زیست گردید. بنابر این نقش انسان در تخریب و احیای محیط زیست از اساسی ترین شروط پنداشته می شود. از این رو مشارکت و همکاری مردم در پیش گیری، جلوگیری و کاهش اثرات ناشی از فعالیت های بشری نسبت به محیط زیست الزامی بوده و بدون همکاری جوامع بشری، سازمان های ملی و بین المللی در احیای دوباره محیط زیست اثر چندانی نخواهد داشت.

## مقدمه:

محیط زیست سالم و عاری از آلودگی از جمله نیازمندی های اولیه بشر بوده، دولت ها مکلف اند که این مطلوب را برای شهروندان فراهم سازد. مشکلات محیط زیست به عنوان یک پدیده فراگیر در تمامی کشورهای دنیا به نحوی وجود داشته و هیچ کشوری نیست که از تهدیدات این پدیده کشنده مصئون باشد. دانشمندان و پژوهشگران عرصه محیط زیست مخاطرات محیط زیستی را فاجعه بار ترین پدیده خطرناک برای آینده بشریت دانسته و به بهبود آن تاکید دارند، محیط زیست طبیعی اثر گوارا بر روان انسانی دارد. محیط منزه و پاک زندگی را معطر می سازد. نوای دلنشین پرندگان، لطافت دریا ها و جویباران، زمزمه دل انگیز پرندگان، شادابی و زیبایی مناظر سرسبز همه و همه از جمله خلقت حیرت انگیز پروردگار است که برای ابقای حیات در این کره زمین اعطا نموده است. بنابر این بر انسان نیز فرض گردیده تا از این نعمات بی بهای الهی به درستی پاسبانی کرده حراست و حفاظت نماید. بی تردید بدون همکاری و مشارکت مردم در کنار دولت ها نمی توان به مقصود و مطلوب که همانا حفاظت محیط زیست است، رسید. در این مقاله سعی گردیده مسئولیت های جوامع بشری نسبت به محیط زیست و منابع طبیعی که شعار جهانی توسعه پایدار نیز همین هدف را دنبال میکند که "نیازمندی های نسل فعلی با در نظر داشت نیازمندی های نسل آینده" در نظر گرفته و انسان را متوجه اصرافات نماییم.

## بیان مسئله:

انسان از بدو پیدایش بنابر نیازمندی ها و ادامه حیات خویش به طبیعت مداخله کرده واز آن استفاده نموده است طبیعت نیز به عنوان بستر حیات، انسان را به بلند ترین قله های موفقیت و پیشرفت رسانیده است، این پیشرفت و ترقی را مدیون منابع موجود در این کره خاکی می دانند، سرانجام با مداخلات بیش از حد به طبیعت و منابع طبیعی، مشکلات و چالش های متعدد جهانی را بار آورد. که میتوان تخریب لایه اوزن تغییرات اقلیم جهانی، از بین رفتن جنگلات، انقراض حیوانات و نباتات نادر و کمیاب و... از جمله چالش های محیط زیستی میباشد. انسان بعد از انقلاب صنعتی بیشتر به طبیعت تاخت و زمین و منابع طبیعی را بیش از محدوده توان آن مورد استفاده قرار

داد، که منجر به مشکلات بیشتر گردید. سرانجام بشر بعد از درک چالش‌ها و مخاطرات جهانی مصمم، بر مبارزه علیه چالش‌های محیط زیستی گردید. که کشورها و سازمان‌های جهانی با طرح برنامه‌ها ناگزیر به تشکیل جلسه‌ها، کنوانسیون‌ها و پروتوکول‌های به سطح دنیا و اشتراک اکثر کشورهای عضو گردید. بی تردید مبارزه علیه چالش‌های محیط زیستی بدون مشارکت و همکاری‌های مردمی، جوامع محلی، منطقه‌ای و جهانی، اهداف برنامه‌ها و پروگرام‌ها، پروتوکول‌ها و کنوانسیون‌ها را به سر منزل مقصود نمی‌رساند. نحوه و میزان مشارکت مردم، جوامع ذینفع و جوامع محلی در روال چالش‌های محیط زیستی، یکی از ویژه‌گی‌های برجسته و کلیدی است. در مطالعات ارزیابی نقاط مختلف جهان، نظرات مردمی به نحوی در فرایند ارزیابی اثرات محیط زیستی گنجانیده می‌شود. عموماً می‌توان گفت که در کشورهای پیشرو مطالعات ارزیابی، نظرات جوامع محلی و مردم اهمیت بالاتر دارد. جوامع محلی به واسطه این که از محیط پیشنهادی اجرای پروژه شناخت بیشتری دارند، به انجام شناسای بهتر آن کمک می‌کنند، مضاف بر اینکه با اعمال علایق و دغدغه‌های جامعه محلی در مطالعات، از ایجاد تعارض جامعه محلی با پروژه اجتناب می‌شود.

در زمان اجرای پایش محیط زیستی شاخص‌های از طرح پیشنهادی که اثرات بارز محیط زیستی در پی دارند، نظارت و اندازه‌گیری می‌شوند. به واسطه پایش محیط زیستی، امکان پیش‌بینی و شناسای اثرات طرح پیشنهادی، بر محیط زیست ممکن می‌شود.

پایش محیط زیست دو نقش مهم در مطالعات ارزیابی اثرات محیط زیستی ایفا می‌کند، نخست آن که میزان اثر بخشی روش‌های تقلیل اثرات سوء را مشخص می‌کند و دیگر اینکه تغییر پارامترهای محیطی در خلال اجرای پروژه پیشنهادی را مطالعه می‌کند. مطالعات پایش محیط زیستی عمدتاً در دو فاز ساختمانی و بهره‌برداری به انجام می‌رسد. بنابراین نقش مردم را در بهبود وضعیت محیط زیستی از اساسی‌ترین روش‌های مبارزه علیه چالش‌های محیط زیستی می‌توان عنوان کرد. اداره ملی حفاظت محیط زیست به عنوان عالی‌ترین مرجع تطبیق اهداف، قوانین، مقررات، و پالیسی‌های محیط زیستی که در قانون، مقررات و پالیسی‌ها محیط زیستی بصورت مشخص تسجیل یافته نقش و مشارکت مردم را واضح ساخته و با ایجاد شوراهای محیط زیستی به سطح محلی، ولایتی و کشوری از آن به عنوان یک ابزار مفید و ممد پیش‌بینی کرده است.

برای اینکه کشور عزیز ما عاری از چالش‌های محیط زیستی باشد و یا مشکلات را به حد اقل برسانیم، نخست باید مردم را از اضرار مخاطرات محیط زیست آگاه ساخته و اهمیت محیط زیست سالم را برای شان ابلاغ نماییم،

در قدم دوم، در ترویج فرهنگ محیط زیستی و مسئولیت های شهروندان در قبال محیط زیست و حفاظت و حراست آن مردم را بسیج سازیم.

همان قسمی که در فوق تذکر گردید، دولت افغانستان در سال ۱۳۸۴ در چوکات حکومت، اداره را نیز تحت عنوان (اداره ملی حفاظت محیط زیست) تشکیل داده و به تعقیب آن قانون محیط زیست، مقرره ها، پالیسی ها و لوایح را جهت بهبود وضعیت محیط زیست و حفاظت درست از محیط زیست "حفاظت صحت بشری، حیوانی و نباتی و بهبود وضع معیشت آنها" از مرحله تدوین الی اجرا در آورده است. و در اسناد قانونی متذکره مشارکت و همکاری مردم (شهروندان)، صاحبان صنایع آلاینده ها، نهاد های دولتی سکتوری محیط زیستی را لازم داشته و نظارت و کنترل از تطبیق این اسناد قانونی را، مسئولیت اداره ملی حفاظت محیط زیست در همکاری با جوانب ذیدخل می باشد، دانسته است.

آنچه که قابل نگرانی و آینده محیط زیست را در افغانستان بیشتر به مخاطره می اندازد، جرایم محیط زیستی می باشد. زیرا میزان وقوع جرایم محیط زیستی در افغانستان بسیار بالا است. متأسفانه شهروندان افغانستان بدون در نظر داشت قانون، دست به ارتکاب انواع جرایم محیط زیستی می زنند. این خود، ناکارایی قانون، بی کفایتی نهادهایی ذی دخل و بی پروایی مردم نسبت به ارج گذاری به طبیعت و محیط زیست را نشان می دهد. براساس فقره ۱ ماده ۸۰۷ کد جزا افغانستان «هر گاه اگر شخصی، مواد مضره یا مواد آلوده کننده را در آب، خاک، هوا یا زمین به اندازه ای که کیفیت فیزیکی، کیمیاوی یا بیولوژیکی آنها را طوری که به انسان یا سایر موجودات زنده، گیاهان یا بناها مضر باشد، پخش یا مخلوط کند، مرتکب جرم محیط زیستی شده دانسته و در پرتو قانون

محیط زیست به طور کلی در برگیرنده محیطی است که انسان ها و حیوانات در آن زندگی می کنند و به این اعتبار، جرایمی که علیه آن صورت می گیرد، به نحوی آسیب آن به انسان ها می رسد. چون در نهایت، این انسان است که از منابع طبیعی (حیوانات و نباتات) استفاده می کند .

در باب مصادیق جرایم محیط زیستی می توان گفت که قلمرو مصادیق جرایم محیط زیستی بسیار وسیع و گسترده است. مهم ترین مصادیق جرایم محیط زیستی که قانون گذاران افغانستان در کد جزا آن ها را جرم انگاری کرده و برای مرتکبین آن مجازات در نظر گرفته عبارت است از: آلوده کردن آب، خاک، هوا، قطع بی رویه درختان، تخریب جنگلات، مراتع و ساحه ی سبز، انداختن مواد سمی و مکروبی در چاهها و مخازن آبی، تولید و توزیع مواد نفتی بی کیفیت، انداختن زباله ها، ریختن فاضلاب، ایجاد سیلاب و... می باشد. چنین جرایم بیشتر در شهر کابل مصداق

رفتار شهروندان نسبت به محیط زیست می باشد. حفر چاه های جذبی، انداختن زباله ها در مکان های نامناسب، سوخت مواد فوسیلی دودزا، عدم کانالیزاسیون مناسب شهری، تورید مواد نفتی بی کیفیت (تیل و گاز)، استفاده از ذغال سنگ تصفیه نشده و توسعه شهری بدون پلان های تخیکی و خودسرانه از جمله بزرگترین عوامل آلودگی های محیط زیستی در این شهر به شمار می رود. که میتوان گفت چنین شرایط را مردم مرتکب شده و دولت به تنهایی نخواهد توانست وضعیت پیش آمده را مدیریت کند. در واقع بحران محیط زیستی یا جرایم محیط زیستی، امروز یک مسأله ای است که توجه مجامع ملی و بین المللی را به خود معطوف کرده است. بشر امروزی با توجه به پیشرفت و دستیابی آن به تکنولوژی، دست به ارتکاب جرایم محیط زیستی می زند که نتیجه ی آن، تخریب، آلودگی و انهدام محیط زیست است. پس هر گاه اگر محیط زیست توسط شخصی تخریب و آلوده شود، این تخریب و آلودگی پیامدهای خطر و مرگباری را برجای می گذارد که در نهایت انسان دچار مشکل شده و مبتلا به انواع بیماری های خطر و گاهی هم باعث بیماری های همه گیر خواهد شد. بنابر این مردم برای یک آینده درخشان و عاری از مشکلات محیط زیستی در تبانی با حکومت و نهاد های خصوصی حامی محیط زیست، به چالش های پیش آمده رسیدگی کرده و در مدیریت کنترل، کاهش و جلوگیری از اثرات ناگوار محیط زیستی سهیم شوند.

بشر با درک حقانیت از مخاطرات محیط زیست مصمم بر مبارزه علیه چالش های محیط زیستی، با یکدیگر همبستگی داشته و با نهاد های بین المللی امور محیط زیستی متعهد به مبارزه علیه مشکلات های پیش آمده هستند. با توجه به این پیمان و همبستگی که کشور ها برای حفاظت از محیط زیست علاوه بر قوانین داخلی بر یک سری اصول کلی حاکم بر محیط زیست نیز توافق دارند. اصول کلی حاکم بر محیط زیست مانند اصول کلی حقوق، از جمله اصول است که نه تنها در عرصه داخلی بلکه در عرصه بین المللی نیز مورد پذیرش واقع شده و در قوانین داخلی همچو اسناد بین المللی از جمله اعلامیه استهکلم ۱۹۷۲، ريو ۱۹۹۲ و منشور ۲۱ به این اصول پرداخته شده است. بر اساس این اعلامیه ها، کشور ها ملزم به رعایت این اصول، از جمله اصل حفظ تعادل محیط زیست، اصل انصاف، اصل حق آگاهی و مشارکت، اصل توسعه پایدار، اصل پیش گیری، اصل احتیاطی، اصل جبران خسارت و... می باشد. هدف این اعلامیه ها رسیدگی به مسائل محیط زیستی و آثار فعالیت های بشر بر محیط طبیعی می باشد. این اصول در واقع باعث تحقق اهداف محیط زیست می شود. بنابراین کشورها در قوانین خود جرایم زیست محیطی و افعالی را که منجر به آلودگی و تخریب محیط زیست می شود، جرم انگاری کردند تا مرتکبین جرایم زیست محیطی مورد پی گرد قرار بگیرند. کشور ما افغانستان نیز برای حفاظت از محیط زیست و جلوگیری از جرایم زیست محیطی قوانینی را به تصویب رسانیده است. از جمله: قانون محیط زیست مصوب (۱۳۸۵) قانون آب، قانون مربوط به جنگلات، مقرره کاهش و جلوگیری از آلودگی هوا، مقرره ارزیابی اثرات

زیست‌محیطی و همچنان کد جزا که جدیداً در سال (۱۳۹۶) به تصویب رسیده است، قانون گذار افغانستان در باب یازدهم در پنج فصل جرایم زیست‌محیطی را جرم‌انگاری کرده و برای مرتکبین آن مجازات در نظر گرفته است. (حجرانی، خدابخش، اطلاعات روز ۱۳۹۹)

در واقع اگر به محتوای متون توافقات، کنوانسیون‌ها، پروتوکول‌ها و همچنان به قوانین، مقررات و پالیسی‌های محیط زیستی عمیقاً دقت شود، نقش مردم و مشارکت جوامع بشری برای بهبود وضعیت محیط زیستی و همچنان درپیش‌گیری، جلوگیری و کاهش اثرات محیط زیستی، همکاری مردم برجسته بوده و بدون مشارکت مردم به اهداف محیط زیستی نایل نخواهیم آمد. بطور مثال اگر شهر کابل را در نظر بگیریم، در این شهر بزرگ بیشتر از هفت میلیون نفوس زندگی می‌کند و در این شهر صد‌ها مورد مشکلات محیط زیستی وجود دارد، از جمله توسعه شهری بدون پلان مناسب شهری، نبود کانالیزاسیون مناسب شهری، نبود محل مناسب برای دفن و ریسایکل زباله‌ها و کثافات، نبود ساحات سبز که ظرفیت تصفیه هوا این شهر را داشته باشد. بنابر مشکلات فوق اگر صرف کثافات شهری را در نظر بگیریم، شهروندان اگر نیت همکاری و مشارکت با شهرداری را داشته باشد فی‌نفر روزانه به اندازه یک گوگرد زباله‌ها را در محل مناسب آن بگذارند ضرب هفت میلیون قطی گوگرد گردیده و حجم آن در حدود ۴۲ متر مکعب خواهد شد. که این مثال می‌تواند کوچک‌ترین نمونه همکاری مردم در حفظ محیط زیست باشد، اما بزرگترین آگاهی دهی از نقش مردم در حفاظت از محیط زیست می‌باشد.

## نتیجه‌گیری:

انسان از ابتدای زندگی در روی کره زمین با طبیعت تاخته و منابع طبیعی را به شکل از اشکال استفاده نموده است. و این منابع طبیعی بوده که باعث پیشرفت و تعالی انسان گردیده است. اما انسان را می‌توان به عنوان مخرب‌ترین موجود بالای محیط زیست دانست، زیرا انسان از بدو پیدایش به عنوان متفکرترین خلقت خداوند به کنجکاوی و پیشرفت فکر کرده و بالای هر پدیده به تحقیق پرداخته است. این تلاش‌های انسان نه تنها باعث تغییر در زندگی بشریت گردیده و عصر تکنولوژی را به بار آورد، بلکه دایره یا سیکل طبیعت را به مخاطره انداخته است که تاوان آن را بشریت خود می‌پردازد. از جمله تخریب لایه اوزن، تغییر اقلیم و گرم شدن جهان، از بین بردن جنگلات و منابع طبیعی، انقراض حیوانات، پرندگان و نباتات و... را می‌توان از جمله مداخلات غیر منصفانه انسان به طبیعت و محیط زیست دانست. حالا با توجه به اینکه انسان به عنوان مخرب‌ترین موجود بالای محیط زیست تشخیص گردیده، بی‌تردید در بهبود آن نیز نقش اساسی را می‌تواند بازی کند. بر انسان لازم است دوش دوش مراجع زیربسط ملی و بین‌المللی از هیچ نوع تلاش و همکاری دریغ نورزیده و برای محیط زیست پاک تلاش نمایند.

## منابع:

۱. جوزی، سید علی و جعفر پور، جاوید، مدیریت محیط زیست، سال ۱۳۹۲
۲. اسمیت، کیت، مخاطرات محیطی، ترجمه داکتر ابراهیم مقیمی و داکتر شاپور گودرزی نژادی، چاپ اول، شماره ۲۵۰۰، تهران ۱۳۹۲
۳. مایکل، کهیل، محیط زیست و سیاست های اجتماعی، ترجمه حسین حاتمی نژاد، سهراب امیریان - تهران: دانشگاه تهران، انتشارات، ۱۳۷۸
۴. عمرانی، قاسم علی، مدیریت استراتژیک محیط زیست، جلد دوم، مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، تهران ۱۳۷۷
۵. اینترنت